

## شوخی با وکلاء

اولین کاری که باید بکنیم اینستکه . . . همه وکلاء را بکشیم .

ویلیام شکسپیر

( درنمایشنامه هائری چهارم )

---

وکیل تنها شخصی است که جهل او بر حکم قانون مجازات ندارد .

« آلبرت هبرد »

---

کسی که خود وکیل خویش باشد موکلی نادان دارد .

« ضربالمثل قدیمی »

---

استاد حقوق در سر کلاس درس بشاگردان خود که وکلاء آینده بودند  
چنین تعلیم میداد .

اگر شواهد برله شماست آنها را چون مشت بر فرق اعضاء هیئت منصفه  
بکوبید . اگر حکم قانون برله شما بود آنها مثل مشت بر سر قاضی بکوبید .

در این هنگام یکی از شاگردان از جا بر خواست و از استاد پرسید در صورتیکه  
شواهد و حکم قانون برله ما نباشد چه کار باید بکنیم ؟

استاد با خونسردی چنین جواب داد .

- در آن صورت مشت خود را بر میز بکوبید .

---

وکیلی که در محاکمات جنائی و مخصوصاً در دفاع از جانیان همیشه

حکم بر محکومیت موکلینش صادر میشد روزی در محضر « مونتگ و ویلیامز »

چنین خودستائی میکرد - « چهل سالست که بشغل وکالت مشغولم و در این مدت

حتی یکنفر از موکلین من از نحوه کار و روش من اظهار شکایت نکرد . »

ویلیامز بلافاصله در جوابش چنین گفت . - علت این امر آنستکه تمام

موکلین شما محکوم بمرگ شدند و همانطوریکه میدانیم دست‌سردگان دیگر بجائی بند نیست و از اظهارگله و شکایت معذورند. »

وکیل - ( در حالیکه چکی بمبلغ یکصد دلار از جمع محکومه که پانصد دلار بود به موکل خود میدهد ).

بفرمائید آقا ، پس از کسر حق الوکاله من اینهم سهم شما از محکومه وصولی . اما چرا متفکر بنظر میرسی ؟ آیا از نتیجه کار راضی نیستی ؟ ، موکل - حیرت و تعجب من بدین جهت است که من نمیدانم که شخصی که با اتومبیل تصادف کرد و مصدوم شد من بودم یا شما ؟

مردی که متهم بقتل عمد بود بوکیل مشهوری مراجعه کرد ولی برای کم کردن حق الوکاله مورد مطالبه وکیل با او شروع بچانه زدن کرد و گفت : ولی وکیل دیگری در قبال دریافت حق الوکاله خیلی کمتری حاضر است که دفاع مرا در دادگاه بعهده بگیرد .

وکیل سرشناس در جوابش گفت . من خیر و صلاح شما را در این میبینم که با وکیلی که صحبتش رامیکنی قرار وکالت را بگذاری زیرا او اولاً حاضر است که در ازاء پرداخت نصف مبلغی که من از شما مطالبه میکنم وکالت شما را قبول کند ثانیاً شما حتی از پرداخت این مبلغ هم معاف خواهید شد زیرا این مبلغ را هم ورثه شما باید با و بپردازند .

قاضی به متهم : - در آخرین دفاع آیا چیزی داری که ابراز کنی ؟  
متهم ؛ - خیر قربان هرچه داشتم بوکیل خود دادم و دیگر چیزی نمانده است که بعالیجناب ابراز کنم .

اگر هوس وکیل شدن بسروکله پسر کوچک شما زده است ناراحت نباشید فکر کنید که او از این راهگذر مبالغی را که در راه استخدام وکیل خرج میکرد صرفه جوئی خواهد کرد .